

بررسی رابطه بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد بجنورد

دکتر طیبه رحیمی پردنجانی¹

زهرا فریدونی²

ابراهیم ابراهیمی ثانی³

تاریخ دریافت: 93/10/09

تاریخ پذیرش: 93/12/17

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد بجنورد بود. روش این پژوهش توصیفی- پیمایش و همبستگی از نوع کاربردی است. جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دختر کارشناسی رشته روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد بجنورد در سال تحصیلی 94-1393 که 250 نفر بود، 80 نفر با استفاده از جدول کرجسی مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری به ترتیب شامل سه پرسشنامه بخشایشگری، هوش معنوی و بهزیستی اجتماعی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ی پژوهش و تصمیم گیری در مورد رد تا تایید فرضیه‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسون و جهت پیش بینی تاثیر هر یک از ابعاد بخشایشگری و هوش معنوی بر شاخص‌های بهزیستی اجتماعی از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان با سطح اطمینان 95 درصد و ضریب همبستگی 46٪. رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تحلیل مدل رگرسیونی نشان داد که بخشایشگری توانسته 18٪ واریانس متغیر بهزیستی اجتماعی را پیش بینی و همچنین هوش معنوی توانسته 20٪ واریانس متغیر بهزیستی اجتماعی را پیش بینی کند و در مجموع 21 درصد از تغییرات بهزیستی اجتماعی توسط ابعاد بخشایشگری و هوش معنوی پیش بینی می‌شود.

کلید واژه‌ها: بخشایشگری، هوش معنوی، بهزیستی اجتماعی، دانشجویان دختر

¹ استادیار و عضو هیأت علمی گروه روانشناسی دانشگاه بجنورد بجنورد، ایران.

² دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد بجنورد، ایران.

³ کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، مدرس حق التدریس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد بجنورد، ایران.

مقدمه

در طول زمان همواره این سوال در ذهن بشر بوده که بخشایشگری چیست و یا کاربرد هوش معنوی در زندگی آدمی چگونه است و این که هر کدام از مولفه‌های بخشایش و هوش معنوی چه رابطه‌ای با بهزیستی اجتماعی دارد؟ بخشودگی^۱ مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی در فرد آسیب دیده است که در آن انگیزه‌های انتفامجویی نسبت به فرد آسیب رسان و اجتناب از او کم می‌شود و فرد آسیب دیده از روی حسن نیت، انگیزه خود را برای مصالحه با فرد آسیب رسان افزایش می‌دهد (مک کلگ، ورسینگتون، راجال^۲، 1997، به نقل از امانی و همکاران، 1393).

بخشودگی فقط کاهش انگیزه‌های منفی نسبت به فرد آسیب رسان و خاطی نیست، بلکه یک نگرش خیر خواهانه واقعی نسبت به آسیب رسان به عنوان یک انسان است. همین بعد خیرخواهانه است که بخشودگی را به عنوان یک سازه در روان شناسی مثبت گرا قرار می‌دهد (کوک^۳، 2006). عدم بخشایشگری مشکلات بسیاری را در زمینه‌های مختلف سلامت روان، عواطف و بهزیستی اجتماعی ایجاد می‌کند و آسیب رسانی را در همه زمینه‌های اجتماعی - روانی افزایش می‌دهد. جیلت^۴ (2007) بخشایش را یک فرایند انطباقی مثبت می‌داند که با رهاسازی احساسات، شناخت‌ها و رفتارهای تنفر نسبت به متجاوزان نشان داده می‌شود، به طوری که شفقت، سخاوت و رضامندی را برای آن شخص پرورش دهد (احتشام زاده و همکاران، 1389).

به نظر می‌رسد که بخشایش یکی از ارزش‌هایی است که توسط تمام مذاهب مورد تأیید، حمایت و تقویت قرار گرفته است. بررسی آیات و روایات در اسلام نشان دهنده‌ی تأکید بر عفو و بخشایش افراد از خطاهای دیگران است. خداوند می‌فرماید: (ای رسول ما) روش عفو را در پیش بگیر و امر به معروف و نیکی کن و از نادانان روی بگردان (اعراف، 199). در جایی دیگر می‌فرماید: گذشت به تقوی نزدیک تر است (بقره، 237). مهارت بخشایشگری می‌تواند در ترمیم روابط بین فردی، عفو و گذشت، تحمل، صبر به معنای جلوگیری از رفتارهای تکانشی، تقوی حضور و پرهیز ارتباط مستقیم داشته باشد (غباری بناب، 1386).

⁵- forgiveness

⁶- McCullough, worthi & rachal

⁷- Cooke

⁸- Maltby, Macaskill & Gillett

مک کالوگ^۹ (2001)، نشان دادند که گروهی که در معرض مداخلات مبتنی بر افزایش بخشایش قرار گرفتند، توانستند در میزان بخشایش و سلامت اجتماعی رفتارهایی را ظاهر سازند و نیز به خوبی به هدف و عملکرد مداخلات و ارتباط آن با زندگی شان پی ببرند. به عبارتی افرادی که بیشتر می‌بخشند، کمتر مشکلات مربوط به جسم و روان را گزارش می‌دهند.

هوش مفهومی است که از دیر باز آدمی به پژوهش و تفحص در مورد ابعاد، ویژگی‌ها و انواع آن علاقمند بوده است. محققان از زمان پیدایش هوش تا به حال توانسته اند به چهار نوع هوش بدنی، عقلانی، هیجانی و معنوی دست یابند (نعمتی، 1392).

هوش معنوی یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روانشناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند. درست است که ارتباط زیادی بین معنویت و بهزیستی اجتماعی و سازگاری وجود دارد، ولی به اعتقاد کینگ^{۱۰} (2008) راهبردهایی مقابله ای و تکنیکهای حل مساله با استفاده از معنویت در واقع کاربردهای سازگاران هوش معنوی می‌باشند.

از دیدگاه کینگ هوش معنوی دارای 4 مولفه تفکر وجودی، تولید معنای شخصی، بسط هشیاری و آگاهی متعالی می‌باشد (نعمتی، 1392). هوش معنوی را می‌توان آخرین لایه از هوش‌های چندگانه مطرح شده دانست. هوش معنوی آخرین لایه از هوش‌های چندگانه مطرح شده است، لایه اول هوش جسمی (PQ)، لایه بعدی هوش عقلانی (iQ)، لایه بالاتر هوش هیجانی یا عاطفی (EQ) و آخرین لایه هوش معنوی (SQ) که هدایت معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکرد همراه با بصیرت، ملایمت و مهربانی را شامل می‌شود. هر چند ارتباط زیادی بین SQ و EQ وجود دارد و EQ در رشد و ارتقای SQ نقش مهمی دارد ولی از هم متمایز هستند، هوش معنوی به مهارت‌ها، تواناییها و توسعه و حفظ ارتباط با منشاء غایی همه موجودات، کامیابی در جستجوی معنای زندگی، یافتن مسیر اخلاقی که به هدایت‌ها در زندگی کمک می‌کند و درک معنویت و ارزشها در زندگی شخصی و روابط بین فردی است (به نقل از عبدالله زاده و دیگران، 1388).

⁹ - Worthington

¹⁰-King

زوهر و مارشال (2000) معتقدند هوش معنوی، هوشی است که از طریق آن مسائل مربوط به معنا و ارزش‌ها را حل می‌کنیم، هوشی که فعالیت‌ها و زندگی ما را در زمینه‌ی وسیع تر، غنی‌تر و معنا دار قرار میدهد، هوشی که به ما کمک می‌کند بفهمیم کدام اقدامات یا کدام مسیر معنا دار تر از دیگری است.

کینگ (2008)، هوش معنوی را به عنوان مجموعه ظرفیت‌های روانی که با آگاهی، انسجام، کاربرد سازوار جنبه‌های متعالی و معنوی و غیر مادی وجود فرد سر و کار دارد، تعریف می‌کند که به پیامدهایی همچون بازتاب عمیق وجودی، افزایش معنا، باز شناسی خود متعالی و تسلط ویژگی‌های معنوی می‌انجامد.

آمرام¹¹ (2005) هوش معنوی را اینگونه تعریف می‌کند: هوش معنوی حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متقابل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌شود. از جمله متغیرهایی که ممکن است در شکل‌گیری بخشودگی نقش مهمی داشته باشد، هوش معنوی² است.

یونگ معتقد است، در بسیاری از افراد پس از 35 سالگی تغییرات عمده‌ای در ناخودآگاه صورت می‌گیرد که ممکن است در روند معنویت و هوشی معنوی تاثیر گذار باشند. هوشی معنوی با زندگی درونی ذهن و نفس و ارتباط آن با جهان را بطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سوالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چند گانه هوشیاری را شامل می‌شود آگاهی از نفس به عنوان زمینه و بیشتر بودن با نیروی زندگی تکاملی خلاق را در بر می‌گیرد هوش معنوی به شکل هشباری ظاهری می‌شود و به شکل آگاهی همیشه در حالب رشد ماده زندگی، بدن، ذهن، نفس و روح در آید بنابراین هوش معنوی چیزی بیش از توانایی ذهنی فردی است را به ماورا فرد و به روح مرتبط می‌کند، علاوه بر این هوش معنوی فراتر از رشد روانشناختی متعارف است بدین جهت خود آگاهی شامل آگاهی از رابطه با موجود متعالی افراد دیگر زمین و همه موجودات می‌شود (وگان، 2003).

امروزه نه فقط جنبه‌های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه در پیش بینی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز اهمیت دارد

¹¹ -Amram

¹² - Spiritual intelligence

(ونگ و لاو، 2003). هوش معنوی هم به عنوان یکی از مفاهیم جدید در هوش، در بردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مساله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و... شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. هوش معنوی وسیله ای برای سنجش معنا و مسیر زندگی فرد است. همچنین هوش معنوی به عنوان توانایی نزدیک شدن به توانایی‌های معنوی و منبعی برای شناخت بهتر، کشف معنی و تحلیل وجودی، معنویت و رفتارهای عملی تعریف می‌کند (نازل، 2004).

نوئل و وگان معتقدند مولفه‌های هشت گانه ای که نشان دهنده هوش معنوی رشد یافته هستند عبارتند از: درستی و صراحت، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت، تحمل، مقاوت، پایداری و تمایل به بر طرف کردن نیازهای دیگران (نازل، 2004).

افرادی که دارای هوش معنوی هستند دارای این صفات می‌باشند:

- 1- قدرت مقابله با سختی‌ها، دردها و شکست‌ها
- 2- بالا بودن خود آگاهی در این افراد (آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود، تسلط بر فکر خود) با اندیشه و با تأمل تصمیم گرفتن حسی که این افراد را هدایت درونی می‌کند
- 3- درس گرفتن از تجربیات و شکست‌ها؛
- 4- از دشواری‌های زندگی فرصتی می‌سازد برای دانستن؛
- 5- توانایی ایستادگی در برابر جمع و هم رأی نشدن با عامه مردم؛
- 6- پرداختن به اخلاق و اهمیت دادن به آنها؛
- 7- توانمند بودن در خودداری و کنترل خویش؛
- 8- برخوردار بودن از حس انعطاف پذیری بالا.

¹³- Wong & Law

¹⁴- Nasel

نتایج تحقیقات در ارتباط بین دو متغیر (بخشایشگری و هوش معنوی) نشان می‌دهد که افراد مذهبی تر بخشودگی بیشتری دارند و فرد تحت تاثیر پیوند مذهبی یا باورهای مذهبی خود اقدام به بخشودگی می‌کنند. لیچ و لارک^۱ (2004) دریافتند که معنویت ممکن است تاحدی واریانس بخشودگی دیگران را تبیین کند و بهزیستی معنوی با بخشودگی دیگران مرتبط است. لاولر و روو^۲ (2008) دریافتند که بخشودگی می‌تواند در سلامت اجتماعی فرد گذشت کننده موثر و باعث کاهش خشم گردد.

کیز (1998)، بهزیستی اجتماعی را به عنوان انعکاس ارزیابی فرد از تجاربش در سطح جامعه معرفی می‌کند. او پنج بعد را به عنوان عوامل سازنده بهزیستی اجتماعی بر می‌شمارد که در کنار هم، نشانگر میزان کنش وری مطلوب فرد در زندگی اجتماعی وی (برای مثال به عنوان یک همسایه، همکار یا شهروند) می‌باشند. ابعاد پنج گانه بهزیستی به قرار زیر است:

برون گرایی، سازش پذیری، وظیفه شناسی، روان رنجور خویی و پذیرا بودن نسبت به تجارب. کیز بر این باور است که بهزیستی اجتماعی در کنار بهزیستی هیجانی و روانشناختی، عنصر مهم سلامتی بوده و تجربه عمومی تری را بازنمایی می‌کند که بر تکالیف اجتماعی متمرکز است. در مدل کیس، بهزیستی اجتماعی، مفهومی چندبعدی است که شامل انسجام اجتماعی^۳، مشارکت اجتماعی^۴، شکوفایی اجتماعی^۵، پیوستگی اجتماعی^۶ و پذیرش اجتماعی^۷ است. انسجام اجتماعی به کیفیت روابط شخص با جامعه و اجتماع اشاره دارد و افراد دارای انسجام اجتماعی، احساس می‌کنند که بخشی از جامعه بوده و به دنبال موقعیت‌های اجتماعی هستند که به آنها کمک می‌کند تا احساس تعلق و دلبستگی به جامعه داشته باشند. مشارکت اجتماعی به باور فرد نسبت به این مسئله اشاره دارد که او می‌تواند فعالیت‌ها یا اهداف معینی را دنبال کند که برای جامعه ارزشمند هستند. از طرفی شکوفایی اجتماعی، ارزیابی فرد از پتانسیل و روند سیر جامعه است و بر پتانسیل جامعه به عنوان مکانی بهتر برای زندگی شهروندان و امکان ایجاد تغییرات مثبت تأکید دارد. علاوه بر این،

15- Leach & Lark

16- Lawler & Row

17- Social Integration

18- Social Contribution

19- Social Actualization

20- Social Coherence

21- Social Acceptance

پیوستگی اجتماعی شامل توانایی فرد برای فهم جهان پیچیده، درک و پیش بینی چیزی است که در جهان پیرامون اتفاق می افتد؛ و در نهایت پذیرش اجتماعی، به معنای داشتن دید مثبت به ماهیت انسان و احساس راحت بودن با دیگران است. این پنج بعد، نشان می دهند که فرد به چه میزان بر چالش های اجتماعی مسلط بوده و کارکرد مناسبی در دنیای اجتماعی دارد. در واقع مدل کی یس از بهزیستی اجتماعی، گسترش سنت فضیلت گرایی سلامتی بوده و بر این فرض استوار است که افراد برای داشتن عملکرد کامل تلاش می کنند (حیدری؛ غنایی، 1387).

نتایج تحقیقات خجسته مهر، کرابی و رجبی (1389)، نشان داد که، ارتباط بین هوش معنوی و بخشودگی زوجین معنادار است.

ویتولیت، لادویگ و واندرلان¹ (2006)، در پژوهشی نشان دادند که افرادی که آموزش دیدند تا پاسخ های بدون بخشایش به فرد خطا کار بدهند، در مقایسه با افرادی که ارائه ی پاسخ های بخشایش را یاد گرفتند، ضربان قلب سریع تر، فشار خون بالا و پاسخ های پوستی بیشتری را ظاهر ساختند.

بنابراین هر چند تمامی تحقیقات و گزارشات ارائه شده حاکی از موفقیت و نتایج مثبت رابطه بین متغیرهای (بخشایشگری و هوش معنوی) با بهزیستی روانشناختی و بهزیستی اجتماعی داشته ولی کمتر به مسئله پیش بینی متغیرهای بخشایشگری و هوش معنوی در متغیر مالاک (بهزیستی اجتماعی) در بین دانشجویان پرداخته شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین ارتباط بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی است.

روش

جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه

این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی و بر اساس هدف، کاربردی می باشد در پژوهش های همبستگی رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش تحلیل می گردد (سرمد، بازرگان، 1387). جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان کارشناسی دختر رشته روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد که در سال 94-1393 مشغول تحصیل هستند و تعداد

1- Witvliet, Ludwing & Vander Laan

آنان 250 نفر می‌باشند، تشکیل می‌دهد. به منظور نمونه‌گیری از جدول کرجسی و مورگان تعداد 80 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های پژوهش و تصمیم‌گیری در مورد رد یا تایید فرضیه‌های تحقیق از آمار استنباطی (آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و جهت پیش‌بینی تاثیر هر یک از ابعاد هوش معنوی و بخشایشگری بر شاخص‌های بهزیستی اجتماعی از رگرسیون چند متغیره با نرم افزار SPSS16 انجام شده است.

ابزار پژوهش

ابزار گردآوری اطلاعات شامل سه پرسشنامه می‌باشد که عبارتند از:

مقیاس بخشودگی: این پرسشنامه دارای 25 سوال بوده و هدف آن سنجش میزان بخشودگی بین فردی و ابعاد آن در افراد مختلف (ارتباط مجدد و کنترل انتقامجویی، کنترل رنجش، درک و فهم واقع بینانه) است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت بوده است. در پژوهش احتشام زاده و همکاران (1389) جهت سنجش روایی مقیاس بخشودگی بین فردی، از اجرای همزمان آن با خرده مقیاس بخشودگی در خانواده اصلی FFS استفاده شد که همبستگی بین این دو مقیاس معنی دار بدست آمد. این رابطه حاکی از روایی خوب این مقیاس می‌باشد.

همچنین پایائی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (0) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (+1) به معنای پایائی کامل قرار می‌گیرد و هرچه مقدار بدست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می‌شود.

پرسشنامه خود گزارشی هوش معنوی¹: این پرسشنامه را که کینگ² (2008) ساخته است 24 پرسش و 4 بعد شاخص تفکر وجودی، تولید معنی شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری دارد. سازنده پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ را برای کل پرسش‌ها 0/92، شاخص تفکر وجودی 0/78، تولید معنی شخصی 0/78، شاخص تفکر وجودی 0/78، آگاهی متعالی 0/87 و بسط

¹ - Spiritual Intelligence Self- report Inventory

² - King

حالت هوشیاری 0/91 بدست آورد و پایایی بازآزمایی پس از 4 ماه 0/89 بود. در مطالعه امانی، شیری و رجبی ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای هوش معنوی 0/89 به دست آمد.

پرسشنامه بهزیستی اجتماعی: این پرسشنامه 33 سوالی توسط کیز (1998) بر اساس مدل نظری خود از سازه ی بهزیستی اجتماعی تهیه شده است. 5 عامل این پرسشنامه بر روی هم 46/3 درصد از کل واریانس متغیرها را پیش بینی می کند. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، برابر 83/1 است (حیدری، غنایی، 1387).

یافته ها

نتایج توصیفی نشان داد که بیشترین رده سنی دانشجویان مربوط به رده سنی 18-20 سال با فراوانی 42 نفر معادل 52/5 درصد فراوانی نسبی و کمترین آن در رده سنی 24-26 سال با فراوانی 10 نفر یعنی 12/5 درصد می باشد.

قبل از انجام تحلیل رگرسیون باید همبستگی متغیرهای پیش بین بخشایشگری و هوش معنوی با متغیر ملاک بهزیستی اجتماعی تایید گردد که در جدول 1 آمده است. می توان ادعا نمود، بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه بخشایشگری و هوش معنوی دانشجویان بیش تر باشد بهزیستی اجتماعی آنان نیز ارتقاء می یابد.

جدول 1: نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین بخشایشگری، هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی

بخشایشگری - هوش معنوی *	ضریب همبستگی	مقدار همبستگی	سطح معنی داری
بهزیستی اجتماعی	پیرسون	462/1	0001/1

جدول 2: نتایج تحلیل واریانس برای بررسی مدل پیشنهادی نقش بخشایشگری و هوش معنوی در بهزیستی اجتماعی

ضریب رگرسیونی چند گانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معنی داری
462/1	214/1	193/1	10/475	0001/1
مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	Sig
رگرسیون	2174/082	2	1587/041	0001/1

	10/				
		151/503	7 7	/718 11665	باقیمانده
			7 9	14839/8	کل

جدول 3: نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره پیش بینی بهزیستی اجتماعی توسط بخشایشگری و هوش معنوی

متغیرهای مستقل	ضریب بتا B	ضریب بتا استاندارد	مقدار t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	122/826	-	8/94	/000
بخشایشگری	-/411	-/249	-2/44	/017
هوش معنوی	/382	/354	3/47	/001

همانگونه که در جدول 2 و 3 مشاهده می‌شود با توجه به روش انتخاب شده در تحلیل (روش ورود) نتیجه ضریب تعیین 214/ می‌باشد که نشانگر این است که وقتی مولفه‌های بخشایشگری و هوش معنوی با هم ترکیب می‌شوند 21 درصد واریانس بهزیستی اجتماعی را پیش بینی می‌کنند. همچنین با توجه به نتیجه بدست آمده، هوش معنوی با $P = /0001$ می‌تواند بهزیستی اجتماعی را بطور معنادار پیش بینی کند ($p < /05$). و متغیر بخشایشگری نیز با $/017$ می‌تواند بهزیستی اجتماعی را بطور معنادار پیش بینی کند ($p < /05$).

بحث و نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش که بررسی رابطه بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان کارشناسی دختر رشته روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد واحد بجنورد بود، نتایج نشان داد که بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان رابطه مثبت معنی دار دارند. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون در باره فرضیه اصلی پژوهش نشان داد که بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین میتوان اذعان داشت که یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی، به نوع جدیدی همراه است با یافته‌های پژوهشی احتشام زاده و همکاران (1387 و 1389)؛ امانی و همکاران (1393)؛ کوک (2006)؛ ونگ (2003) همخوان می‌باشد. وجود رابطه مثبت و مستقیم بدین معنی است که هر چه بخشایشگری و هوش معنوی بالاتر باشد

بهبودی اجتماعی نیز ارتقاء می‌یابد. بدین صورت دانشجویانی که دارای هوش معنوی و بخشایشگری بیش تر می‌باشند، شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی مطلوبی دارند. پذیرش اجتماعی بیانگر درک فرد از خصوصیات و صفات افراد جامعه به عنوان یک کلیت است. افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهبودی اجتماعی را دارا می‌باشند، دید مثبتی به ذات بشر دارند، به افراد دیگر اعتماد می‌کنند معتقدند مردم قادرند خوب باشند. مشارکت اجتماعی، بیانگر ارزیابی فرد از ارزش اجتماعی خود است. افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهبودی اجتماعی را دارا می‌باشند، احساس می‌کنند عضو مهمی از اجتماع خود می‌باشند و چیزهای ارزشمندی برای ارائه به دنیا دارند. شکوفایی اجتماعی، بیانگر ارزیابی فرد از مسیر حرکت جامعه و پتانسیل‌های آن است؛ به این معنی که فرد احساس کند جامعه در حال تحول است و پتانسیلی دارد که از طریق شهروندان و نهادهای اجتماعی در حال شکوفا شدن می‌باشد. افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهبودی اجتماعی را دارا می‌باشند نسبت به وضعیت کنونی و آینده جامعه امیدوارترند و معتقدند جهان در حال تبدیل شدن به مکانی بهتر برای همه افراد است. درک پذیری اجتماعی، بیانگر فهم کیفیت، ساخت و طرز کار جهان اجتماعی است و شامل علاقه‌مندی و اهمیت دادن به شناخت دنیا است. افرادی که سطوح مطلوبی از این بعد بهبودی اجتماعی را دارا می‌باشند، نه تنها به دنیایی که در آن زندگی می‌کنند اهمیت می‌دهند، بلکه احساس می‌کنند که می‌توانند از حوادث اطرافشان سر در بیاورند و مایلند معنی زندگی را بفهمند.

بالا بودن هوش معنوی و بخشایشگری در فرد باعث رفتار سازگارانه با خود، اطرافیان، محیط شده و با اعتماد به نفس راهبردهایی را بری غلبه بر موانع و حل مساله انتخاب می‌نماید. همچنین تلفیق معنویت در زندگی، انعطاف پذیری در موقعیت‌های مختلف زندگی و کاری، هدف و معنا در زندگی، عبرت از شکستها، خلاقیت در جهت توسعه و کیفیت زندگی، حفظ ارتباطات، منشاء غایی و یافتن مسیر اخلاقی با هوش معنوی و بخشایشگری ارتباط مستقیم دارد.

بخشودگی از طریق مقابله با هیجان‌های منفی و ایجاد چارچوب شناختی و رفتاری مطلوب در زمان کدورت‌ها و رنجش‌های بین فردی، به انطباق بهتر و در نتیجه به بهبودی افراد کمک می‌کند (احتشام زاده و همکاران، 1387). بهبودی مستلزم آن است که نیازهای ارضاء شوند و افراد حس هدفمندی و بخشایشگری رادر خود تقویت کنند و در جامعه مشارکت کنند. افراد برخوردار از درجات

بالای بهزیستی اجتماعی معمولاً قادر به برقراری ارتباط با دیگران و حفظ آن و همچنین کمک به دیگران هستند.

همچنین هوش معنوی بیانگر مجموعه ای از تواناییها و ظرفیتهای و منابع معنوی است که کاربست آنها موجب افزایش انطباق پذیری و در نتیجه بهبود سلامت اجتماعی افراد می شود (کینگ، 2008). هوش معنوی به ما اجازه می دهد تا آنجا که ممکن است موقعیت را تغییر دهیم و یا بهتر مدیریت کنیم. وقتی می گوئیم هوش معنوی، یعنی هوشی که مشکلات ارزشی و معنایی ما را حل می کند، هوش که اعمال و زندگی مان را در یک سطح وسیعتر و قدرتمندتر معنا می دهد. هوشی که بتوان بوسیله آن معنای زندگی و مسیر زندگی فرد را بسنجیم (همان).

پژوهش های انجام شده نشان داده اند که احساس مثبت، بخشودگی و داشتن هوش معنوی یک مفهوم اساسی انسانی است که با بهزیستی اجتماعی مرتبط است. در واقع رفتار جامعه پسند به معنای بخشیدن، کمک کردن، داوطلب شدن، ارائه خدمات، متواضع بودن، حس نیت یا هر واژه ای دیگری از دنیای وجود انسانی در بخشندگی و رفتار نودوستانه نسبت به دیگران است که سبب بهبود و ارتقای بهزیستی اجتماعی و سلامت افراد می شود. در مجموع نتایج پژوهش حاضر شواهدی دال بر رابطه بین بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی در دانشجویان دختر دانشگاه آزاد بجنورد بود. با توجه به این که بخشایشگری و هوش معنوی می تواند در شیوه های رفتاری گروه هدف محسوس عینی داشته باشد و موجب ارتقای بهزیستی اجتماعی دانشجویان گردد لذا با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می شود و از طریق برگزاری کارگاه های آموزشی در زمینه ارتقای هوش معنوی و بخشایشگری به دانشجویان کمک شود تا بهزیستی اجتماعی بهتری را تجربه نمایند و هم چنین به پژوهشگران در زمینه بررسی رابطه بخشایشگری و هوش معنوی با بهزیستی اجتماعی و قدرت پیش بینی بهزیستی اجتماعی از طریق متغیرهای بخشایشگری و هوش معنوی پژوهش های دیگر بر روی نمونه های متفاوت، پیشنهاد می شود.

کتابنامه:

- احتشام زاده، پ؛ احدی، ح؛ عنایتی، م؛ مظاهری، م و حیدری، ع. (1387). رابطه درونگرایی، روان نژندی گرایی، بخشودگی و راهبردهای مقابله اسلامی با شادکامی در دانشجویان دانشگاههای اهواز. دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، 38، صص 92-63.
- احتشام زاده، پروین؛ احدی، حسن؛ عنایتی، صلاح الدین؛ حیدر (1389). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش بخشودگی بین فردی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال شانزدهم، شماره 4.
- امانی، ملاح؛ شیری، اسماعیل؛ رجبی، سعید. (1393). نقش هوش هیجانی و هوش معنوی در پیش بینی بخشودگی دانشجویان. مجله علمی- پژوهش دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال 15 (1) صص 80-73.
- ایمانی فر، حمیدرضا و همکاران. (1391). بخشش از دیدگاه روان شناسی و قرآن کریم. مجله انسان پژوهی دینی. سال نهم.
- حیدری، غلامحسین؛ غنایی، زیبا. (1387). هنجاریابی پرسشنامه بهزیستی اجتماعی. مجله علمی- پژوهشی اندیشه و رفتار، دوره ی دوم شماره 7، صص 40-31.
- دلاور، علی. (1383). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدحسین؛ حبیبی پور، حمید (1387). پرسشنامه باورهای اساسی دینی. تربیت جام: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
- رقیب، مائده سادات؛ سیادت، سید علی؛ حکیمی نیا، بهزاد؛ احمدی، سید جعفر (1389). اعتبار یابی مقیاس هوش معنوی کینگ در دانشجویان دانشگاه اصفهان، دست آوردهای روان شناختی، دوره 4، شماره 1، 164-141.
- سهرایی، فرامرز (1385). در آمدی بر هوش معنوی. فصلنامه معنا، ویژه نامه روانشناسی دین شماره 2.
- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (1387). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.

- عبدالله زاده، ح؛ یعقوبی، ا. (1388). رابطه هوش معنوی و بهداشت روانی دانشجویان دانشگاه

بوعلی. مجموعه مقالات چهارمین سمینار بهداشت روانی، صص 486-488.

- غباری بناب، ب؛ سلیمی، م؛ سلیمانی، ل؛ و نوری مقدم، ث. (1387). هوش معنوی. فصلنامه علمی-

پژوهشی

اندیشه نوین دینی، سال 3 (10)، صص 125-147.

- غباری بناب، باقر. رفتار بخششگرایانه در نهج البلاغه، مبانی تئوریک و اثرات روان شناختی

آن. چکیده مقالات همایش تربیت در سیره امام علی (ع).

- نعمتی، سید حسن. (1392). بررسی رابطه هوش معنوی با بهزیستی روانشناختی در زندانیان

شهرستان مشکین شهر. ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره 142، صص 24-20.

منابع لاتین:

-Amram, J (2005). *Intelligence Beyond IQ: The Contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership*, Institute of transpersonal psychology.

-Cooke, K.i. (2006). *Models of forgiveness and Adult Romantic Attachment in Ended Relationships. Forgiveness over Time*, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of science at Virginia Commonwealth University.

-wong, C.S., & Law, K.S (2003). *The effects of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study*. *The Leadership Quarterly*, 13 (3), 243- 274.

-King D B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure*. [thesis]. Ontario: Trent University.

-Lawler- Row, K.A., Karremans, j.C, Scott, C., Edlis- Matityahou, M., & Edwards, I. (2008). *Forgiveness, physiological reactivity and health: The role of anger*. *International Journal of Psychophysiology*, 68, 51- 58.

-Oysterman, D., coon, m., Kemmelmeier M., (2002). Rethinking Individualism and collectiuism: Evaluation of theorerical Assumptions and meta-Analyses. Psychological Bulletin. 128, No. 1,37

-Mascaro, N. Rosen, D H. (2010).Existential meanings role in the enhancement of hope and prevention of depressive symptoms. Journal of personality.

-MaMullen, B.,2003. Spiritual intelligence; WWW. Studentbmj.com.

-Vaughan, F.,2003. Wath is spiritual intelligence? Journal of humanistic psychology.42 (2).

-Zohar,D. & Marshall, I.,2000. SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence. London: Bloombury.

-Mc Cullough, M., Bellah, C., Kilputrick, sh., & Johnson. J, (2001). Vengefulness: Relationships with forgiveness, Rumination, well-Being, and the big five. Personality and Social psychology Bulletin, 27 (5), 601-610.

-Nasel, D.D. (2004). Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A new consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Doctoral Dissertation, University South Australia: Australia.

-Leach, m.m., & Lark, R (2004). Dose spirituality add to personality in the study of trait forgiveness?. Personality and Individual Differences, 37, 137-156.

-Litchfield, Bruce (1999).Spiritual intelligence; Illini Christian faculty and staff. www.Uiuc-icfs.org.

